

در پی درگذشت علامه محمدرضا حکیمی صادر شد

### پیام تسلیت مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت عالم و متفکر برجسته جناب آقای محمدرضا حکیمی را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است: بسم‌الله الرحمن الرحیم، با تأسف...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۵ محرم ۱۴۴۳ - ۲۴ آگوست ۲۰۲۱



ابراهیم رئیسی:

### کیمیای عدالت، دغدغه همیشگی مرحوم حکیمی بود

گروه سیاست: رئیس‌جمهور در پیامی با تسلیت رحلت عالم وارسته و استاد بزرگوار، آقای محمدرضا حکیمی، این ضایعه تأسف‌بار را به عموم اردنمندان ایشان به‌ویژه مردم مشهد مقدس و همچنین به خاندان مکرم حکیمی تسلیت گفته...

صفحه ۲



سال هجدهم - شماره ۴۰۷۸ - ۱۲ صفحه - ۷۰۰۰ تومان

#### سرمقاله

### عالمی درداندیش و فریادگر

محمدتقی فاضل‌میبیدی



مراج دهر تبه شد در این بلا حافظ/ کجاست فکر حکیمی و رای برهنی نخستین‌بار که مرحوم استاد محمدرضا حکیمی را دیدم سال ۱۳۵۱ در قم و در منزل مرحوم حجت‌الاسلام‌والمسلمین شیخ محمدعلی صدوقی بود. باعث و واسط این دیدار آقای سیدمحمد خاتمی بود. چون آن مرحوم به‌سختی کسی را می‌پذیرفت. حدود یک ساعتی که لاینقطع سخن گفت. از یاد نمی‌برم نقد حوزه‌ها و روحانیت بود. تاکید و تکرار این بود که نظام فقهی موجود حوزه‌ها نجات‌بخش انسان‌های محروم امروز نیست. اسلامی که در حوزه معارفی خراسان شناخته بود و در کنار آن ارتباط وثیقی که با روشنفکرهای آن عصر داشت و در میان تراجم و تعارض اسلام و مارکسیسم قرار گرفته بود. باعث شد دیدگاهش به اسلام دیدگاه عدالت‌خواهانه باشد. او اسلام منهای عدالت اجتماعی را اسلام نمی‌دانست. در جامعه دینی وجود طبقات اجتماعی و تفاوت‌های فاحش مادی برایش معنا نداشت و به تعبیر خودش آنها را «جامعه قانونی» می‌دانست نه «قرآنی».

ادامه در صفحه ۲

### مرد در ادبی اگر باشد، خوش است...

سیدعطاءالله مهاجرانی



محمدرضا حکیمی، روحی دردمند داشت. آتشی که نمیرد، همیشه در سینه‌اش می‌تابید؛ آتش توحید و عدالت. او سرچشمه این آتش را در کتاب «مبین» قرآن مجید یافته و با آن دم زده بود. از این رو باور داشت کتاب مبین نیازی به کسب روشنائی از جایی دیگر، اگر فلسفه و عرفان هم باشد، ندارد. در واقع تفسیر او از خلوص و یگانگی اسلام، موجب گرایش او به مکتب تفکیک بود. گرایش به توحید و عدالت، در سه آینه تجلی کرده بود. بر هر سه آینه شعاع توحید و نبوت محمدی تابیده بود؛ آینه ولایت علوی، آینه شهادت حسینی در عاشورا و آینه عدالت مهدوی. این اندیشه که با آزادی روح انسان، آزادی معطوف به معنویت، آراسته شده بود، در کارگاه ذهن آفریننده و زبان درخشنده حکیمی جلوه کرد. او به تمام معانی کلمه ادیبی ارباب بود. کوچکی پس‌کوچه‌های زبان و ادب پارسی و عربی را می‌شناخت. به هر دو زبان شعر می‌گفت.

نثر او از شعله جان او گرم بود. من همچنان مست آوای روزها و سرود جهش‌های اویم! کتاب‌های او از روح آتش‌گرفته او زندگی می‌گرفت، به تعبیر مولانا جلال‌الدین بلخی: «خون همی جوشد منش از شعر رنگی می‌دهم». او خود بیدارگر اقلیم قبله و مرزدار توحید و عدالت و آزادی بود. سلوک او آینه سخن او بود. حکیم عارف عاشقی که زاهد بود، زهدش حقیقی بود. بر داشت کم برای بازده بسبار!

علیه‌السلام:

تخفوا! تلحقوا

سبکبار و سبکبال باشید تا به مقصد برسید. او که در سال ۱۳۴۴ از مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی درجه اجتهاد و اجازه نقل حدیث داشت، هیچ‌گاه در زی روحانیت در نیامد. روزی گفت این لباس پیامبر است. سنگین و سهمگین است. بعد شعر اقبال لاهوری را خواند:

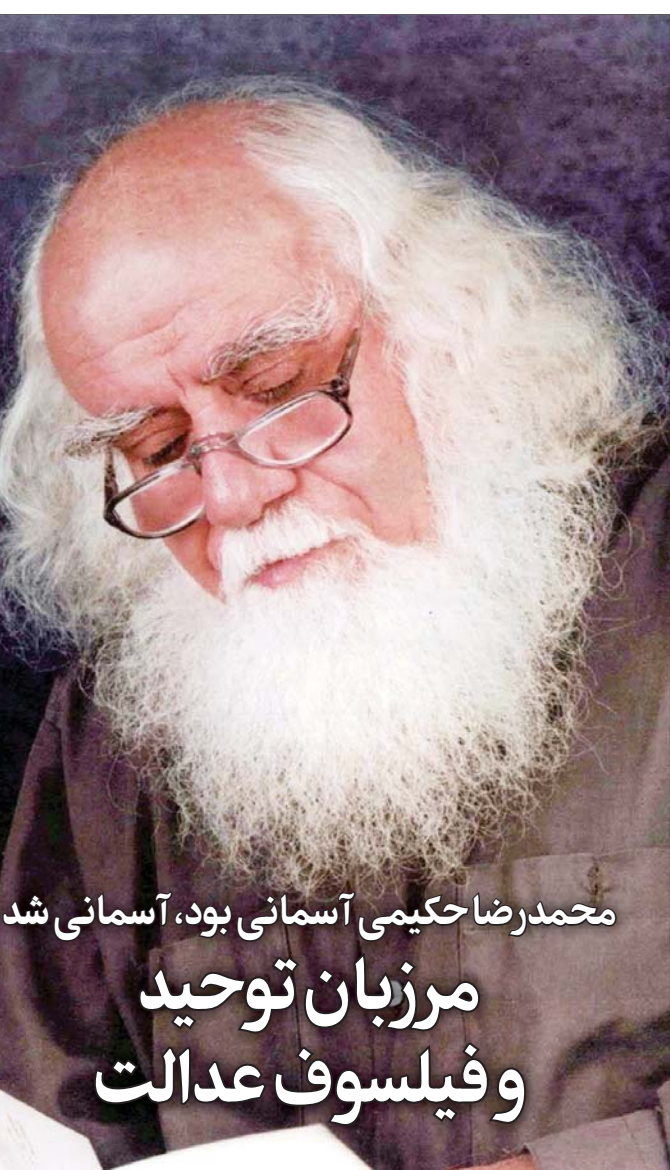
ادامه در صفحه ۲

### جناب آقای محمدعلی نادعلی‌زاده

درگذشت مادر گرامی‌تان را به جنابعالی و خانواده محترمان تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم. مهدی رحمانیان

### جناب آقای شهریار کریمی

درگذشت مادر گرامی‌تان را به جنابعالی و خانواده تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم. روزنامه شرق



### محمدرضا حکیمی آسمانی بود، آسمانی شد مرزبان توحید وفیلسوف عدالت

شخصیت اجتماعی او در پیش از انقلاب و پس از آن و تا پایان زندگی هیچ تغییری نکرد و هیچ‌گاه به‌دنبال قدرت، مقام و کرسی نبود، بلکه همیشه سعی می‌کرد به سیاست‌ها و مدیریت‌هایی که ممکن بود تبعیض‌آمیز باشد یا منجر به ظلمی شده باشد تذکر دهد. تا پایان عمر هیچ جایزه‌ای را از هیچ ارگانی نپذیرفت و به برگزاری هیچ آیینی در تجلیل از خود و آثارش رضایت نداد. حکیمی متولد ۱۴ فروردین ۱۳۱۴ شمسی در مشهد بود. پدرش، عبدالوهاب که از یزد به مشهد مهاجرت کرده بود، از معتمدان و محترمان بازار مشهد به شمار می‌رفت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ تحصیلاتش را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه خراسان (مدرسه نواب) شد و تا ۲۰ سال از عمر خود را در این حوزه به تحصیل دروس مقدمات و سطح، خارج، فلسفه، ادبیات عرب، نجوم، تقویم گذراند. محمدتقی ادیب‌نیشابوری، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سید محمدهادی میلانی، احمد مدرس‌یزدی، اسماعیل نجومیان، حاج سید ابوالحسن حافظیان و حاجی خان مخیری از مهم‌ترین استادان او بودند. او رابطه دوستانه‌ای رمل و اوفاق را نزد ابوالحسن حافظیان و شیخ مجتبی قزوینی آموخت و اجازه اجتهاد را از آقا بزرگ تهرانی در سال ۱۳۴۸ شمسی دریافت کرد. حکیمی که وصی علی شریعتی در نظارت بر آثار او محسوب می‌شد، بیش از همه با آثارش درباره ضرورت تفکیک دین از فلسفه و عرفان شناخته می‌شود. او رابطه دوستانه‌ای نیز با فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، داشت و او را نماد عدالت‌خواهی می‌دانست. حکیمی از یک سو رفاقت صمیمانه‌ای با بسیاری از شاعران برجسته مانند هوشنگ ابتهاج و اخوان ثالث داشت و سرآمد انجمن‌های ادبی و جلسات شعر مشهور بود و خود نیز عدالت بود و کتاب‌های «حکومت اسلامی» و «منهای فقر» - یابگر دغدغه‌ها و مطالبه‌های او نسبت به اجرای عدالت بود. به گواه دوستان و منتقدان پرشمار، حوزه علمیه مرادده داشت.

ادامه در صفحه ۴

### جناب آقای مهدی افشارنیک

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم. رامین خسروخاور، شهاب‌الدین طباطبایی و مهدی رحمانیان

ارتباط با روزنامه شرق  
SHARGHLINE  
@SHARGHDAILY.IR

ادامه در صفحه ۴

### تطهیر دوباره طالبان

## بازگشت اصولگرایان به تنظیمات کارخانه

گروه سیاست: اصولگرایان اگرچه پیش از تسخیر کابل به دست طالبان از مواضع حامیانه خود در تطهیر این جریان تا حدی عقب‌نشینی کرده بودند، اما بعد از خروج غنی از افغانستان و قطعی شدن قدرت گرفتن طالبان به نظر می‌رسد که به تنظیمات کارخانه بازگشته‌اند. آنها از یک سو به پیشواز روابط حسنه و دیپلماتیک با طالبان رفته‌اند و از سوی دیگر حضور احمد مسعود فرزند احمدشاه مسعود در دره پنجشیر و تشکیل جبهه مقاومت از سوی او غافلگیرشان کرده است؛ چراکه نمی‌دانند در برابر

مشروح گزارش را در صفحه ۲ بخوانید



### در سخنرانی ۱۵ خرداد ۸۵ هاشمی چه گذشت؟

### واکنش دفتر هاشمی به سخنان ذوالنوری

زادروزی با طعم غربت  
یادداشتی از محسن هاشمی

صفحه ۴

#### یادداشت

### دایره سرخ



عباس ملکی

«روزی نماز ظهر را در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام خوانده بودم. از صحن که به سمت بست طبرسی پیچیدم، چند نفر از دوستانم را دیدم که با هم در پیاده‌روی می‌رفتند. جلو رفتم و سلام کردم و جوفا شدم که این وقت ظهر با هم کجا می‌روید؟ یکی از آنها گفت که ما را فلان کس به ناهار دعوت کرده و ما داریم به سمت خانه آن شخص می‌رویم. اتفاقاً آن شخصی دوست من هم بود. در کنار آنها راه افتادم و گفتم برویم. آنها کمی مکث کردند و یکی از آنها به من گفت آقای حکیمی شاید مناسب نباشد شما تشریف بیاورید. آخر ایشان شما را که دعوت نکرده است. من هم گفتم ممکن است که او علقش نرسیده باشد که من را دعوت کند، من که عظم می‌رسد که باید بیایم و با هم رفتیم». این داستان را با لهجه مشهدی می‌گفت و تکرار می‌کرد. در همه عمرش کاری را کرد که فکر می‌کرد درست است ملاک مقبولیت هر نظریه زبانی، عدالت‌محوری آن بود. شاید خاستگاه دوران تسلط نظریه مارکسیستی جوانی او بوده است که به‌عنوان یک نظریه‌پرداز دین‌دار نمی‌خواستند دین و نظریات دینی از رقیب بزرگش عقب بماند. همچنان که دکتر شریعتی شور انقلاب‌فرین چپ را می‌دید و نمی‌خواست اسلامش از انقلاب‌گری جدا بماند.

دهه ۱۳۵۰ در مؤسسه فرانکلین به‌عنوان ویراستار مشغول به کار شد. انتشارات فرانکلین یک سازمان آمریکایی بود که اتحادیه ناشران نیویورک آن را به سفارش وزارت خارجه آمریکا با هدف ترجمه و ترویج ادبیات آن کشور در کشورهای درحال‌توسعه تأسیس کرده بود. نمایندگی مؤسسه فرانکلین در تهران از این فراتر رفت و به مکانی برای آموزش ویرایش و روش‌های مدرن کتاب‌پردازی و نشر در ایران تبدیل شد. از آنکه عدالت‌خواهی پیراهن چهل‌کله‌ای شود که ۷۲ ملت بر سر آن جنگ کنند، او بنیان‌گذار عدالت‌خواهی بود.

۲- محمدرضا حکیمی قلم برپرتگی داشت. مهم‌ترین آن مجموعه ۱۲ جلدی «الحیات» بود که برداران فاضلش همراهی‌اش می‌کردند. در این کتاب از منابع اصلی شیعی که کتاب و سنت است، به ابعاد عدالت‌محورانه شیعه اشاره شده است. از سال ۱۳۵۳ شروع به نوشتن کردند تا سال ۱۳۹۴. جز قرآن و حدیث، منبع دیگری هم در آن استفاده نشده است.

ادامه در صفحه ۴

#### یادداشت

### تفکیک‌ناپذیری دین و عدالت



محمدعلی ابطهی

می‌دانم که نسل فعلی یا محمدرضا حکیمی را نمی‌شناسد یا حداکثر آسمی به گوشش خورده ولی نمی‌داند او که بوده است. در همین ابتدا از اینکه در رسانه‌های ما، به‌خصوص رسانه ملی، در حوزه دین‌شناسی هم از افراد تکراری باسواد حداقلی استفاده می‌شود متأسفم. در همه حوزه‌ها و به‌ویژه مسائل دینی، بحث‌های عمیقی در جریان است که یکی از قله‌های آن محمدرضا حکیمی بود. اما هیچ‌کدام از آنها در بحث‌های مذهبی رسانه ملی جای ندارند. نتیجه عملی‌اش هم فرار نسل فعلی از علاقه‌مندی‌های دینی است. محمدرضا حکیمی یکی از مفاخری است که تا دیروز بود و امروز نیست.

حکیمی چند ویژگی بارز داشت:

۱- دین‌شناسی او عمیق بود. اما دینی که می‌شناخت دین عدالت‌محور بود. از پنجره‌ای که او نگاه می‌کرد فقط عدالت را در دین می‌دید. ملاک مقبولیت هر نظریه زبانی، عدالت‌محوری آن بود. شاید خاستگاه دوران تسلط نظریه مارکسیستی جوانی او بوده است که به‌عنوان یک نظریه‌پرداز دین‌دار نمی‌خواستند دین و نظریات دینی از رقیب بزرگش عقب بماند. همچنان که دکتر شریعتی شور انقلاب‌فرین چپ را می‌دید و نمی‌خواست اسلامش از انقلاب‌گری جدا بماند.

۲- محمدرضا حکیمی قلم برپرتگی داشت. مهم‌ترین آن مجموعه ۱۲ جلدی «الحیات» بود که برداران فاضلش همراهی‌اش می‌کردند. در این کتاب از منابع اصلی شیعی که کتاب و سنت است، به ابعاد عدالت‌محورانه شیعه اشاره شده است. از سال ۱۳۵۳ شروع به نوشتن کردند تا سال ۱۳۹۴. جز قرآن و حدیث، منبع دیگری هم در آن استفاده نشده است.

ادامه در صفحه ۲

#### تیترو

### زیر تیغ «ردمزر»

گزارش میدانی «شرق»  
از جمع آوری کسب مرزی هلال احمر  
برای پناهندگان جنگی افغانستان

صفحه ۹

#### تیتروها

مرور برنامه منتشر شده وزیر پیشنهادی نفت

### فروش نفت اوج می‌گیرد؟

صفحه ۵

چمران از احتمال صدور حکم زاکانی  
توسط وزیر کشور آینده خبر داد

### دولت به قانون‌گریزی شورای شهر تن خواهد داد؟

صفحه ۲

ادامه بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی به مجلس

### اعتراض به رزومه‌های معمولی

صفحه ۲

### با علی دایی چه می‌کنیم؟

صفحه ۱۱

#### حرف اول

### آزادگی یک روح وارسته

مقصود فر استخوان



استاد محمدرضا حکیمی هم رفت. بهترین دلیل برای اینکه مرگ پایان بشر نیست، حیات و ممات فراانگانی همچون حکیمی است. بزرگی گفته بود «هیچ‌کس را تا نمرده است نمی‌توان خوشبخت دانست» و حکیمی از تبار این‌نیکبختان است. دانش‌آموز دبیرستان بودم که با آثار استاد محمدرضا حکیمی آشنا شدم. در محافل آن روزی‌مان تا سخن از حکیمی می‌شد اولین مشخصه بارز این بود: وصی فکری شریعتی. کلمات آبدار اثرگذارش همیشه در عمق جانمان طنین داشت. کارنامه تالیفی بلند ایشان خود گویای بخش کوچکی از سعه فضل و دانش و گستره تأملاتشان؛ علامه‌ای متبوع با نگاهی عمیق، بیانی دلنشین و گستره کارها.

اما به گمانم اینها هیچ‌یک نبود که حکیمی را حکیمی کرد. آنچه حکیمی را به داستان نافذ نسلی بدل ساخت، آزادی یک روح وارسته بود. انقلاب پیروز شد. ساختمان‌ها و غنایم فتح شد. وسوسه قدرت و ریاست و ثروت بر چینیید... اما مرد حکیم، آن دلاور میدان بود که همچنان با قامت برافراشته ایستاد و گرفتار این تعلقات نشد. چیزی نخواست و هرچه هم داشت بذل کرد، چنگ نزد، گام زد، رها کرد، جاری شد و اوج گرفت و منور شد. عمری از آزادی و حق و حقوق و عدالت و معنا گفته بود و بر سر آن ایستاد. دل نیست و همه هرچه بود اعطا کرد.

حکیمی برای نسل ما روایتی از «زیستن به شرط فضیلت» شد؛ به یاد محنت‌های بشر بودن، دغدغه حقوق انسان‌ها داشتن و غمخواری مردمان و همدردی اجتماعی. حکیمی روایت جذاب و مؤثری از تجربه‌های زیستن اخلاقی و معنوی شد. رفاقت نمونه‌گرایی و نیز نظریه «ارجاع مستقیم» از سوی فیلسوفان زبان و علم و اخلاق بحث شده است. کسانی چون کرییکی و پاتام در مباحث معناشناسی از این نظر دفاع کرده‌اند که ادراک درخت، با ارجاع مستقیم به نمونه عینی درخت صورت می‌پذیرد تا با ارجاع غیرمستقیم به مشخصات مفهومی‌تر و انتزاعی‌تر و فنی‌تر. درخت؛ همان روایت درخت است که در زندگی تجربه‌اش می‌کنیم، زیبایی‌اش را می‌بینیم، در سایه‌اش می‌خرامیم. حکیمی برای ما آن درخت تاور وارستگی و آزادی از تعلقات بود و باز هست. زاگزینسکی از فیلسوفان اخلاق معاصر شرح می‌دهد چگونه معانی اخلاقی با مثال‌های تجربی و عینی رمزگشایی می‌شوند. به نظر او فضیلت، خصیصه‌ای روایی دارد.

ادامه در صفحه ۶